

نقش پرستشگاه ها در گسترش امر به معروف و نهی از منکر:
بررسی تطبیقی آثار منتخب ادبیات انگلیسی و فارسی

دکتر محمد هادی جهاننده

عضو هیات علمی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه زبان انگلیسی، شیراز، ایران

چکیده

در شریعت اسلام از پرستشگاه ها به عنوان اماکن گسترش دهنده "معروف" و "منکر" در جامعه یاد شده است. از طرفی، "معروف" و "منکر" در زمره مضامین اصلی و بن مایه های اساسی ادبیات منظوم و منثور جهان قرار دارند. در عین حال، نوع نگرش نویسندگان منتخب و طرز تلقی آنها از این مفاهیم همواره تحت تاثیر محیط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آنان قرار داشته است. هدف اصلی از این پژوهش آنست که با نقد ادبی آثار منتخب این نویسندگان، مصادیق معروف و منکر را در پهنه گسترده متون ادبیات انگلیسی و فارسی مورد واکاوی قرار دهیم. این امر، به نوبه خود، ما را از نقش موثر پرستشگاه ها در ترویج معروف و زدودن منکر از چهره جامعه آگاه می سازد. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی همراه با رویکرد تطبیقی می باشد. در این مقاله، پژوهشگر با استفاده و جمع آوری داده ها از منابع موجود کتابخانه ای، به بررسی نگرش های متفاوت این نویسندگان نسبت به پدیده خلقت، معانی خیر و شر، ویژگیهای شهروند مسوول و در نهایت، آینده بشریت می پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن هستند که پرستشگاه ها در نظر تمامی ادیبان منتخب، بیش از آنکه به پیروان آیین خاصی تعلق داشته باشند، پناهگاه های امن و مقدسی هستند که باید از آنها در جهت گسترش معروف در جامعه، ترویج عدالت و تنویر افکار نسل جوان استفاده نمود. در واقع، مفاهیم معروف و منکر در آثار ادبی منتخب، بیش از آنکه زاینده غلیان های احساسی، باورهای دوگانه و بستر های فرهنگی این نویسندگان باشند، بر پایه اصولی تعریف شده اند که در جای خود دلیل راه شهروندان مسوول دنیای کنونی می باشند.

واژه های کلیدی: پرستشگاه، خیر، شر، معروف، منکر، حقوق شهروندی، فرهنگ

مقدمه:

با وجود گذشت دو سده از پیدایش "بیداری" یا "خیزش" اسلامی در اقصا نقاط جهان همچنان نقش پرستشگاه ها و رهبران آگاه در شکل گیری این حرکتها و گسترش امر به معروف و نهی از منکر در جوامع، پررنگ و ملموس است. البته این نکته شایان ذکر است که در مسیر این حرکتها همواره جریان های سیاسی و فرهنگی متعددی شکل گرفته اند که در جای خود شبیه به هم، متفاوت از یکدیگر و در برخی از موارد از هدف اصلی فاصله گرفته اند.

با این حال، آنچه در گرداب حوادث و فراز و نشیب های روزگار مانع از تبدیل شدن اختلاف سلیقه ها به انحراف شده است، عنصر حیات بخش مساجد و راهنمایی های مقتدرانه رهبران آزادی خواهی همچون حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته) بوده است.

همواره میان پرستشگاه هایی همچون کلیساها، معابد و مساجد از یکسو و پهنه گسترده ادبیات جهان تفاهم و تعاملی دوسویه برقرار بوده است. این اماکن به زیبایی در تار و پود آثار تنیده شده اند و از نقشی محوری در شکل گیری پیرنگ داستانها و طرح های اشعار برخوردار هستند.

در باطن این پرستشگاه ها، ارزشها و ایدئولوژیهای نهفته اند که به نوبه خود عامل فرهنگی-عقیدتی شکل دهنده و جلو برنده متون ادبی محسوب می گردند. از طرفی، شاعران و نویسندگان نیز به فراخور اصول جهان بینی و طرز فکر خود به مخالفت یا ملازمت ارزشهای موجود می پردازند و آنها را نیز در آثار خود منعکس می سازند. در پژوهش حاضر قصد آن داریم تا با بررسی شباهتها و تفاوت های موجود در دیدگاه های ادیبان منتخب به نقش و جایگاه پرستشگاه ها و بویژه مساجد در زندگی بشریت پی ببریم. نگاهی به پیشینه پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه، ما را از اهمیت این موضوع آگاه خواهد ساخت.

پیشینه تحقیق

با آنکه تا کنون مقالات بسیاری حول محورها و موضوعات مرتبط با مسجد و نماز نوشته شده است اما کمتر به رابطه این مفاهیم با ادبیات پرداخته شده است. از طرفی هیچیک از نویسندگان منتخب نیز به طور همزمان و یکجا با یکدیگر مقایسه نشده اند. از این رو، پژوهش حاضر گام موثری جهت بررسی هماهنگ جایگاه و منزلت پرستشگاه و بالاخص مسجد در آثار این نویسندگان خواهد بود. از جمله پژوهش های انجام شده می توان به مقاله حمید قنبری (1384) با عنوان "مروری بر نقش مسجد در ادبیات" اشاره کرد که وی به بررسی مفهوم مسجد در اشعار چند تن از شاعران بنام ایرانی پرداخته است. پژوهش دیگر مقاله غلامرضا گلی زواره (1385) «مسجد کانون قیام های اسلامی از آغاز تا انقلاب اسلامی» است که او در آن نقش مهم مسجد در نهضت اسلامی و ابعاد مختلف این پایگاه عبادی و سیاسی را مورد مذاقه قرار داده است. پژوهش دیگر پایان نامه کارشناسی ارشد ثریا امیری (۱۳۸۰) تحت عنوان «مسجد در جامعه اسلامی از دیدگاه آیات و روایات» می باشد که به زعم پژوهشگر امروزه نیز باید کارکردهای مختلفی را که مسجد در صدر اسلام در جامعه اسلامی داشته است دوباره احیا کنیم و نقش همه جانبه مسجد را در جامعه اسلامی بیش از پیش پرفروغ گردانیم. در بخش بعدی به محدوده پژوهش و دامنه بحث می پردازیم.

محدودیت های تحقیق

در این تحقیق، پژوهشگر بر آن است تا تنها برخی از آثار شاعران و نویسندگان منتخب را از حیث مولفه های مرتبط با پرستشگاه مورد بررسی قرار دهد. این بدان دلیل است که انجام چنین کاری مستلزم صرف زمان کافی و تحلیل محتوای تمامی

آثار با رویکرد به زندگینامه نویسندگان می باشد. لذا، به دلیل محدودیت زمان و به فراخور مجال این مقاله، فقط با نگاهی گذرا و از چشم انداز فرهنگی به تحلیل محتوای این آثار می پردازیم. نخست، آثار ادیبان انگلیسی و سپس شاعران ایرانی را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

بررسی تطبیقی مفهوم "پرستشگاه" در آثار منتخب:

الف) ویلیام بلیک: ترانه های بی گناهی و ترانه های تجربه

ویلیام بلیک (۱۷۵۷-۱۸۲۷) در زمره مشهورترین شاعران جنبش رومنیک است. از مهمترین ویژگیهای این دوره می توان به توجه بسیار زیاد شاعران به احساسات، نمادگرایی، طبیعت و عناصر فرا طبیعی اشاره نمود. از آنجا که پیروان این مکتب به خودجوش، تخیلی، نوآور و آزاد بودن ادبیات اعتقاد داشتند. بلیک ترانه های بی گناهی و تجربه را به ترتیب در سالهای ۱۷۸۹ و ۱۷۹۴ منتشر کرد. امرالله ابجدیان واژه های بی گناهی و تجربه را بدین صورت تشریح نموده است:

بی گناهی را به معنای بی آزاری و نداشتن گناه به کار می بریم، اما هدف بلیک بی گناهی نیست، بلکه ناآزمودگی است. بی گناهی سازمان نیافته و یا ناآزمودگی، دوگانه با بی گناهی سازمان یافته و یا آزمودگی، در برابر تجربه ناتوان است. از آنجا که بی گناهی و تجربه دو حالت از چهار حالت هستی روان انسان هستند، گذر از هر دو حالت بایسته است، اگر چه بی گناهی و یا ناآزمودگی، ویژه تنها کودکی و تجربه، ویژگی تنها بزرگسالی نیستند. بلیک این سروده ها را نمایانگر دو حالت متضاد از روان انسان می داند. بی گناهی، سرزمین بوله است و تجربه، دنیای خشن اما زنده ی زایش و پویایی است.

(ابجدیان، ۱۳۸۷، ۱۰۰)

سروده "تمثال خداوند" در ترانه های بی گناهی، سراسر تجسم خالق عالم در وجود انسانها است. به زعم بلیک، هر جا که سخن از دلسوزی، عشق و صفا باشد در آنجا محل حضور پروردگار عالم است. به بیان دیگر، پرستشگاه ها تنها بهانه و مستمسکی برای یافتن خدا و محل تجمع ساده دلان و گمگشتگانی هستند که آفریننده خویش را در یک مکان خاص جستجو می کنند:

To Mercy Pity Peace and Love,
All pray in their distress:
And to these virtues of delight
Return their thankfulness.

به درگاه گذشت، دلسوزی، صفا و عشق
همگان در پریشانی دعا می کنند
و به درگاه این پارسایی های شادی بخش
همگان شکر گزاری می کنند

For Mercy Pity Peace and Love,
Is God our father dear:
And Mercy Pity Peace and Love,
Is Man his child and care.

زیرا گذشت، دلسوزی، صفا و عشق
خداست پدر گرامی ما،
و گذشت، دلسوزی، صفا و عشق
انسان است، فرزند و مورد توجه آن پدر

For Mercy has a human heart
Pity, a human face:
And Love, the human form divine,
And Peace, the human dress.
Then every man of every clime,
That prays in his distress,

زیرا گذشت قلبی انسانی دارد،
دلسوزی چهره ای انسانی دارد،
و عشق کالبد خدایی انسان است،
و صلح و صفا تن پوش انسان است
بنابراین، هر انسانی از هر آب و خاکی،
که در پریشانی دعا می کند،

**Prays to the human form divine
Love Mercy Pity Peace.
And all must love the human form,
In heathen, turk or jew.
Where Mercy, Love & Pity dwell
There God is dwelling too.**

(همان، ۱۰۷)

به درگاه قالب خدایی انسان دعا می کند،
به درگاه عشق، گذشت، دلسوزی و صفا
و همگان باید شمایل انسانی را دوست بدارند،
چه کافر، چه ترک و چه یهودی،
هر کجا گذشت، عشق و دلسوزی مسکن گزینند
در آنجا نیز خدا بسر می برد

"روز نیکوکاری"، در ترانه های تجربه، بیانگر بغض و کینه ریشه دار بلیک نسبت به زمامداران فاسد کلیساها می باشد. وی در این سروده خود را مدافع حقوق از دست رفته ایتم معرفی می کند و در پی زنگارزدایی از چهره عاملان دین مسیحیت، گسترش عدالت و تنویر افکار نسل های پس از خود است. در دنیای تجربه، ارزشها وارونه هستند و شرارت و بدکاری به مثابه نیکوکاری هستند. وظیفه آدمی نیز آنست که با گذر از پل تجربه به بی گناهی سازمان یافته نایل گردد. در این ترانه، شاعر با هنرمندی هر چه تمام تر نشان می دهد که چگونه کلیساها و کشیشان وابسته به دولت را نماد دنیای تجربه و دغلکاری معرفی می کند. این کشیشان سودجو از تعالیم دینی که خود در کلیساها به دیگران می آموزند بهره ای نبرده اند و زیر نقاب سرپرستی از ایتم و کودکان بی سرپرست، آنها را به استثمار می کشانند. بلیک در "روز نیکوکاری"، با قلبی سرشار از حزن و اندوه چنین گلایه سر می دهد:

**Is this a holy thing to see
In a rich and fruitful land,
Babes reduced to misery,
Fed with cold and usurous hand?**

آیا این چیزی مقدس است که ببینیم
در سرزمینی ثروتمند و پربار
بچه ها به بدبختی افتاده اند
و با دست بی عاطفه و رباخوار تغذیه می شوند؟

**Is that trembling cry a song?
Can it be a song of joy?
And so many children poor?
It is a land of poverty!**

آیا آن لرزش، صدای ترانه است؟
ایا می تواند ترانه شادمان باشد؟
و بسیاری از کودکان تهی دست باشند؟
اینجا سرزمین تهی دستی است.

**And their sun does never shine,
And their fields are bleak and bare,
And their ways are filled with thorns:
It is eternal winter there.**

و خورشید آنها هرگز نمی درخشد،
و دشت های آنها سرد و بی آب و علف هستند،
و راهشان را خارها پوشانده اند
در آنجا زمستان جاودانه است

**For where'er the sun does shine,
And where'er the rain does fall,
Babes should never hunger there,
Nor poverty the mind appall**

زیرا هر کجا خورشید بدرخشد،
و هر کجا باران بیارد،
بچه هرگز گرسنه نمی ماند،
و تهی دستی، خیال انسان را هراسان نمی کند.

(همان، ۱۲۷)

ب) جورج اورول: به یاد کاتالونیا و روزهای برمه

نفرت از کلیسا تا چند سده ها بعد از بلیک ادامه پیدا می کند و در *به یاد کاتالونیا* (۱۹۳۸) اثر جورج اورول (۱۹۵۰-۱۹۰۳) هویدا می گردد. این سفرنامه به جنگ داخلی اسپانیا میان جمهوری خواهان و ملی گرایان در خلال سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ می پردازد. اورول تا حدودی نفرت از کلیساها را عامل نهضت‌های انقلابیون جمهوری خواه اسپانیا می داند:

برای اولین بار در شهری بودم که طبقه کارگران بر مرکب نشسته بود. آنان عملا همه بناهای بزرگ را در اختیار خویش آورده و از آنها پرچمهای سرخ، یا پرچمهای سرخ و سیاه آناارشیستها را آویخته بودند. روی هر دیواری داس و چکش یا حرف اول احزاب انقلاب را کج و کوله رسم کرده بودند. تقریبا تمام کلیساها تخلیه و تصاویرش سوزانده شده بود. گروههای کار اینجا و آنجا کلیساها را منظمآ خراب می کردند. (اورول، ۱۳۶۱، ۶)

زمانی که اورول هنوز درگیر جنگ با نیروهای فاشیست ملی گرا به رهبری فرانکو است از جابجایی ارزشهای کلیسایی با آناارشیستی در حیرت فرو می رود:

در شرق هواسکا تا اواخر مارس اتفاقی نیفتاد- تقریبا به معنای واقعی کلمه، هیچ اتفاقی... کاملا غیر ممکن است که جنگ اسپانیا را صرفا از دیدگاه نظامی آن نوشت... طبقه کارگر اسپانیا بخاطر دموکراسی و حفظ موقعیت -بعکس آنچه احتمالا انتظار می رفت- در مقابل فرانکو ایستاده بود. مقاومتش همراه با اعتراضی سازش ناپذیر و انقلابی بود، یا در حقیقت می توان گفت از آن سرچشمه می گرفت. دهقانان زمینها را گرفته بودند، بسیاری از کارخانه ها و بخش اعظم سیستم حمل و نقل در اختیار اتحادیه ها در آمده بود. کلیساها تخریب و کشیش ها تار و مار شده بودند یا بقتل می رسیدند. روزنامه دیلی میل توانست به تشویق مراجع روحانی، فرانکو را به عنوان وطنپرستی که کشورش را از چنگ یک ایل اهریمنی «سرخ» نجات می داد، معرفی کند. (همان، ۴۸)

اورول در سفرنامه *به یاد کاتالونیا* اساس و عصاره تفکر آناارشیستی را در سه چیز خلاصه می کند که یکی از آنها نفرت از کلیساها و کشیشان خائن می باشد:

تعریف بیش آناارشیستی به این سادگی نیست. واژه نا روشن «آناارشیستها» در هر حال به منظور مشخص کردن تعداد کثیری از مردمی با نقطه نظرهای متفاوت بکار می رود. بلوک عظیم اتحادیه های ث.ان.ت (کنفدراسیون ملی کارگران) حدودا دو میلیون عضو داشت و ارگان سیاسی اش اف.آ.ئی. (فدراسیون آناارشیستی ئیبریا)، سازمانی خلص آناارشیستی بود. اهداف ث.ان.ت و اف.آ.ئی به طور کلی این بود:

۱. اعمال کنترل مستقیم کارگران بر هر یک از شعبات صنعت، یعنی در بخش حمل و نقل، کارخانه های نساجی و غیره.

۲. حاکمیت شوراهای محلی و مقاومت در مقابل هر گونه قهر متمرکز و اقتدارگرایانه دولتی.

۳. خصومت بی چون و چرا علیه بورژوازی و دستگاه کلیسا.

(همان، ۵۹)

در *روزهای برمه (۱۹۳۴)*، معابد را هم به تیر نقد می سپارد و با نگاهی از سر تمسخر آنها را پناهگاه های امنی برای آندسته از مجرمانی معرفی می کند که به خیال خام خود قادر به فریب پروردگار هستند. این رمان ماجرای اهداف شیطنانی اصلی ترین شخصیت داستان یعنی یوپوکین رئیس دادگاه فرعی بخش کیائوکتادا در ناحیه علیای برمه است. تنها آرزوی این شخصیت پلید که تا حد زیادی از عقده خودکم بینی وی سرچشمه می گیرد، نشست و برخاست با انگلیسی ها به عنوان صاحبان نژاد و فرهنگ برتر است. یوپوکین که دست خود را به جرایم مختلفی از قبیل رشوه خواری، دزدی، فحشا و برده داری آلوده کرده است، گمان می کند که ثواب ها و کمک های وی به صومعه ها و معابد وی را عاقبت بخیر خواهند نمود. اورول می نویسد:

او [یوپوکین] عملاً آسیب ناپذیر بود...، انسان می توانست به جرات ادعا کند که وی هیچگاه مشتش باز نخواهد شد و همیشه با موفقیت قرین خواهد بود و سرانجام دار فانی را با چنان افتخار کاملی وداع خواهد گفت که چندین لک (چند صد هزار) روپیه ارزش خواهد داشت. حتی پس از مرگ نیز موفقیت هایش ادامه خواهد داشت...، یوپوکین... در نظر داشت در سالهای آخر حیات خود آنقدر کار ثواب ذخیره نماید که کفه ترازو را به نفع خود سنگین کند. شاید کارهای نیک وی به صورت ساختن پاگوداها درآید. چهار معبد، پنج تاشش تا، هفت تا- کاهنان به وی خواهند گفت چند تا- با کنده کاریهای سنگی، چترهای زراندود و تعدادی از زنگوله های کوچک که با وزش باد به صدا درآیند و هر جرنگ و جرنگ زنگوله ای دعایی به حساب وی منظور شود. سپس با قالب انسانی به زمین باز خواهد گشت. (اورول، ۱۳۶۳، ۴)

یوپوکین از اینکه عضویت وی ذر باشگاه اروپائیان تنها با حذف دکتر وراسوامی تحقق می یابد آگاه است و برای رسیدن به این هدف از کوباسین، متصدی دفتر قائم مقام کمیسیونر، کمک می گیرد. گفتگوی ذیل میان یوپوکین و کوباسین حاکی از تلاش وی در توطئه سازی علیه رقیب خود است:

[یوپوکین] می خواهیم به یک حمله هماهنگ شده علیه دکتر وراسوامی، که یک جراح عمومی و رئیس زندان است، دست بزنیم. می خواهیم به او تهمت بزنیم. شهرتش را لکه دار کنیم و سرانجام او را از بین ببریم. عمل حساسی خواهد بود، به طور وضوح مورد اتهام باید خیانت، ملی گرایی، تبلیغ به آشوبگری و عصیان باشد. باید اروپائیان را متقاعد کنیم که دکتر دارای عقیاد خیانت آمیز

و ضد انگلیسی است. آنها از کارمند بومی انتظار دارند که رشوه بگیرد. ولی بگذاریم حتی یک لحظه هم در وفاداری او شک کنند، کارش ساخته است.
[کوباسین]: اثبات این کار بسیار مشکل است. دکتر به اروپائیان بسیار وفادار است و وقتی که حرفی علیه آنان زده می شود عصبانی می شود آنها این را می دانند، عقیده شما چیست؟
[یوپوکین]: مزخرف است، مزخرف است. هیچ اروپایی به فکر دلیل در این مورد نیست. اگر مردی چهره ای سیاه داشته باشد، شک، خود دلیل است. (همان: ۹)

رمان **روزهای برمه** سرانجام با سکنه مغزی یوپوکین و راهی شدن وی از زندگی نکبت بارش به سوی دوزخ خاتمه می یابد. گویی خداوند مکافات افراد کج اندیشی همچون یوپوکین را در همین دنیا قرار داده است. به عقیده اورول، هرگز با عوام فریبی و توسل دروغین به معابد و سایر پرستشگاه ها نمی توان راه رستگاری را پیمود.

ج) سعدی شیرازی: بوستان و غزلیات

جایگاه سعدی شیرازی (۶۹۱-۶۰۶ هجری قمری) سخن سرای نامدار ایرانی در ادبیات فارسی رفیع تر از آن است که نیازمند تذکر و تایید باشد. در این پژوهش، تنها دو نمونه از شاهکارهای ادبی سعدی یعنی **بوستان (۶۵۵-هجری قمری)** و **غزلیات** وی را از حیث مفاهیم پرستش و پرستشگاه بررسی می نماییم. این مفاهیم در کنار سایر مقوله های بنیادی مرتبط با رفتار بشر و با اهتمام به آموزش تربیتی و پرورش اخلاقی افراد جامعه به شیوایی هر چه تمام جلوه گر شده اند. سعدی در **غزلیات** خود چندین بار بر اهمیت خلوص، یکدلی در پیمودن طریقت حق پای می فشارد:

روی در مسجد و دل ساکن خمار چه سود؟

خرقه بر دوش و میان بسته به زنار چه سود؟

هر که او سجده کند پیش بتان در خلوت

لاف ایمان زدنش بر سر بازار چه سود؟

دل اگر پاک بود خانه ی ناپاک چه پاک

سر چو بی مغز بود نغری دستار چه سود؟

چون طبیعت نبود قابل تدبیر حکیم

قوت ادویه و ناله بیمار چه سود؟

قوت حافظه گر راست نیاید در فکر

عمر اگر صرف شود در سر تکرار چه سود؟

عاشقی راست نیاید به تکبر سعدی

چون سعادت نبود کوشش بسیار چه سود؟

به عقیده شیخ اجل، شرط مسلمانی و نشانه ایمان بیش از آنکه رفتن به مسجد و انجام واجبات شرعی باشد، رعایت رفتار انسانی و احترام متقابل نسبت به دیگران است. حکایت رویارویی عالمی متکبر با جوانی غیر مسلمان در کتاب **بوستان** شاهی بر همین نکته است:

فقیهی بر افتاده مستی گذشت
به مستوری خویش مغرور گشت
ز نخوت بر او التفاتی نکرد
جوان سر بر آورد کای پیرمرد
تکبر مکن چون به نعمت دری
که محرومی آید ز مستکبری
یکی را که در بند بینی مخند
بادا که ناگه درافتی به بند
نه آخر در امکان تقدیر هست
که فردا چو من باشی افتاده مست؟
تو را آسمان خط به مسجد نبشت
مزن طعنه بر دیگری در کنشت
ببند ای مسلمان به شکرانه دست
که ز نار مغ بر میانست
نه خود می رود هر که جویان اوست
به عنفش کشان می برد لطف دوست

از نظر استاد سخن، سعدی علیه الرحمه، انسان به شرط برخورداری از صفای باطن و نیت پاک می تواند جلوه حضور پروردگار را در تمامی پرستشگاه ها اعم از مسجد، کنیسه و کلیسا مشاهده نماید. این جهان بینی و طرز تفکر در اشعار شاعران معاصر همچون محمد رضا آغاسی نیز ادامه یافته است.

د) محمد رضا آغاسی: ساقی سرمست ما، نماز، روح نماز

مرحوم حاج محمد رضا آغاسی (۱۳۸۳-۱۳۳۸)، مداح و شاعر مذهبی شیعه، کلمه **مسجد** را در اشعار دلنشین خود با تلاش نستوه خود برای بیداری اسلامی و هدایت مردم بویژه نسل جوان بکار می برد. وی همچون بیشتر شاعران متعهد پیش از خود، اخلاص در عمل، تواضع و بندگی به درگاه ایزد منان را از شرایط قبولی اعمال عنوان می کند. از نظر این شاعر خود ساخته، تمامی ادیان مظهر نور حق و تمامی پرستشگاه ها جایگاه تبلور عظمت الهی هستند. وی در شعر "**ساقی سرمست ما**" اینگونه اندرز می دهد:

ساقی سرمست ما دیوانه نیست

سرگذشت انبیا افسانه نیست

آنچه در دستور کار انبیاست

جنگ با مکر و فریب اغنیاست

چیست در انجیل و تورات و زبور

آیه‌های نور و تسلیم و حضور

جمله ادیان ز یک دین بیش نیست

جز الوهیت رهی در پیش نیست

خانقاه و مسجد و دیر و کنشت

هر که را دیدم به دل بت می سرشت

لیک در بتخانه دیدم بی عدد

هر صنم سرگرم ذکر یا صمد

یا صمد یعنی که ما را بشکنید

پیکر ما را در آتش افکنید

گر سبک گردیم در آتش چو دود

می توان تا مبدا خود پرگشود

(منابع اینترنتی، ۱)

مرحوم آغاسی با شور حالی کم نظیر در شعر "نماز"، مساجد را یکی از روحبخش‌ترین اماکن مذهبی و خانه سرور و شادی معرفی می‌کند:

به آوای خروسان سحر خیز

سحر سر میزند از خواب برخیز

به آب دیده دل را شستشو کن

پس آنکه جانب معشوق رو کن

مساجد خانه نور سرورند

تجلی گاه آیات حضورند

زجا برخیز هنگام حضور است

اگر موسی شوی هر گوشه تورااست

مسلمان بی نمازی ناسپاسیست

نماز اول قدم در خود شناسیست

تو بنگر گاه قرآن مبین را

مروری کن صفات مومنین را

نماز آرام جان مومنین است

است ستون آسمان پیمای دین

خوشا آنان که داعم درنمازند

تمام عمر قائم برنمازند

(همان)

اکنون، به عنوان حسن ختام این بحث، روح خود را با شعر "روح نماز" این شاعر تسلی می بخشیم:

ما را نظری به غیر الله مباد

بر درگه عشق غیر از این راه مباد

هر چند که دست ما به جز آه مباد

از دامن اهل بیت کوتاه مباد

امروز بشارتی عظیم دادند

راهی به صراط مستقیم دادند

وقتی که موذن به نماز می خواند

سجاده ای از جنس نسیم دادند

زان روز که تو اهل نمازم کردی

در وادی سجده سرفرازم کردی

تا بر قدمت روی نیاز آوردم

از منت خلق بی نیازم کردی

یک قوم پر از سوز و گدازت خواندند

قومی ز نیاز بی نیازت خواندند

قوم دگری بریده از راه حجاز

ای روح نماز، بی نمازت خواندند

(همان)

۵) نتیجه گیری

آنچه مایه پیوند آثار این شاعران و نویسندگان منتخب به یکدیگر می گردد، حس عدالت خواهی آنها نسبت به مفاهیم پرستش و پرستشگاه است. به نظر تمامی این ادیبان، پرستشگاه ها بیش از آنکه به پیروان دین یا مذهب خاصی تعلق داشته باشند، پناهگاه های امن و مقدسی هستند که باید با منش پاک و خلوص نیت در آنها پای نهاد. مساجد نیز به عنوان یکی از این

پرستشگاه ها و پایگاه های فرهنگی صاحب قدرتی فراوان در ترویج عدالت و تسخیر دلها می باشند. از اینرو باید از این حریم های امن الهی در جهت تنویر افکار نسل جوان و گسترش ارزشهای اسلامی استفاده بهینه کرد.

فهرست منابع

۱. ابجدیان، امرالله (1387) تاریخ ادبیات انگلیس، جلد نهم، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.
۲. امیری، ثریا (۱۳۸۰) «مسجد در جامعه اسلامی از دیدگاه آیات و روایات». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول الدین، قم.
۳. اورول، جورج (۱۳۶۳) *روزهای برمه*، اول، تهران، آوا.
۳. -----، ----- (۱۳۶۱). به یاد کاتالونیا. تورج آرامش. تهران. نشر آگاه
۴. سعدی، مصلح الدین عبدالله. (۱۳۶۱). *غزلیات سعدی*. به تصحیح حبیب یغمایی. تهران. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. قنبری، حمید (1384) "مروری بر نقش مسجد در ادبیات" موجود در پایگاه اینترنتی: <http://www.ido.ir/a.aspx?a=1384053101>
۶. گلی زواره، غلامرضا (1385) «مسجد کانون قیام های اسلامی از آغاز تا انقلاب اسلامی» موجود در پایگاه اینترنتی: www.hawzah.net/fa/MagArt.html?MagazineID

فهرست منابع اینترنتی:

1. See, <http://www.aghasi.blogfa.com/>
2. See, [http:// fa.wikisource.org/wiki/.../](http://fa.wikisource.org/wiki/.../)